

درآمدی بر

اصول نظام کیفری اسلام

دکتر محمد عوا

ترجمه حمید روستایی صدرآبادی

معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه

مرکز مطالعات توسعه قضایی

عزّاء محمد سلیم ..

درآمدی بر اصول نظام کیفری اسلام / محمد عزّاء: ترجمه حمید روستایی
صدرآبادی: [برای] معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه مرکز مطالعات
توسعه قضایی - قم: سلسبیل، ۱۳۸۵.

چ. ۲۲۸ ص

ISBN 964-8903-15-8: ۱۷۵۰۰ ریال

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتابنامه: ص ۲۲۱-۲۲۸؛ همچنین بصورت زیر نویس.
نمایه.

عنوان اصلی: فی اصول النظام الجنائي الاسلامی

۱. حقوق جزا (فقه). ۲. حدود (فقه). ۳. تعزیرات (فقه). الف. روستایی صدرآبادی، حمید.
۱۳۵۳ - مترجم. ب. معاونت حقوق و توسعه قضایی قوه قضائیه، مرکز مطالعات
توسعه قضایی. ج. عنوان. د. عنوان. فی اصول النظام الجنائي الاسلامی.

۲۹۷/۲۷۵

BP۱۹۵/۶/ع ۹ الف ۶۰۲۱

۱۳۸۵ -

کتابخانه ملی ایران



انتشارات سلسبیل

نام کتاب: درآمدی بر اصول نظام کیفری اسلام

نویسنده: دکتر محمد عزّاء

مترجم: حمید روستایی صدرآبادی

ویراستار: علی شایان

ناشر: سلسبیل

چاپ: سیهر نوین

حروفچینی و صفحه‌آرایی: خدیجه ساودای

نوبت چاپ: چاپ نخست، ۱۳۸۵

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۵۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۸۹۰۳-۱۵-۸

نشانی مرکز پخش: تهران - ضلع جنوبی پارک شهر - خیابان بهشت

روزنامه رسمی (وابسته به قوه قضائیه) تلفن ۰۲۱-۵۵۶۰۲۰۵۰

۱. در برنامه نخست توسعه قضایی، مواردی مانند ضرورت توجه به کاهش تصدی‌گری حکومت در حوزه قضا، افزایش مشارکت مردم، توجه به حقوق و آزادیهای فردی و عدم محدودیتهای غیرضروری، متناسب‌سازی پاسخ به جرم با نوع جرم ارتكابی، و استفاده از نهادهای شبه قضایی و کاهش توسل به مراجع قضایی در راستای افزایش کیفیت، به منزله راهبردهای کلان مورد نظر رئیس قوه قضائیه مورد توجه قرار گرفت.

۲. در راستای تحقق و اجرای راهبردهای یاد شده در برنامه نخست و دوم توسعه قضایی، مرکز مطالعات توسعه قضایی به منزله رکن مطالعاتی- تحقیقاتی معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه از هنگام تشکیل بر آن بوده تا با مبتنی کردن اقدامهای مختلف قوه قضائیه - بویژه در حوزه تدوین قوانین و مقررات و تنظیم لایحه‌های قضایی - بر انجام پژوهشهای نظری- کاربردی و بهره‌گیری از تجربه‌های کشورهای مختلف در حوزه قضا، امر تحقیق و پژوهش را در حوزه قضایی نهادینه کند. برای تحقق این هدف، کمیسیونها و کمیته‌های تحقیقاتی- پژوهشی مختلفی در این مرکز تشکیل شد. این کمیسیونها و کمیته‌های زیرمجموعه آنها نیز با تشکیل گروههای تحقیقاتی مختلف متشکل از پژوهشگران و محققان - به طور عمده دانشجویان دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد - و با تأکید خاص بر حفظ ارتباط تنگاتنگ با استادان دانشگاه و دست‌اندر-کاران حوزه قضا و بهره‌گیری از علم و تجربه ارزشمند آنان، پژوهش در حوزه‌های مطالعاتی مختلف را آغاز کردند.

۳. در این سیر پژوهشی، دو نکته مورد توجه بوده است: نخست، انجام مطالعات تطبیقی و بهره‌گیری از تجربه‌های نظامهای حقوقی مختلف در جهان - بویژه کشورهای اسلامی و دیگر کشورهایی که وضعیت مشابهی را در حوزه قضا تجربه می‌کنند - و انتشار کتابها و مقاله‌های بنیادی در این زمینه برای فرهنگ‌سازی حقوقی و غنی کردن نوشتگان حوزه حقوق به طور کلی؛ و دوم، تأکید خاص بر ویژگیهای دینی- فرهنگی- اجتماعی جامعه ایران و متناسب کردن قوانین و مقررات و دستاوردهای علمی در حوزه حقوق با شرایط جامعه ایران و به بیان دیگر، بومی کردن نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری در حوزه قضا و پرهیز از بکارگیری نسنجیده و مقلدانه دستاوردهای دیگر نظامهای حقوقی.

۴. بی‌تردید، فعالیتها و اقدامهای مرکز مطالعات توسعه قضایی به منزله نهادی نوپا در امر پژوهش در حوزه قضا، با توجه به موانع و محدودیتهای پیش رو خالی از اشتباه نیست و نخواهد بود. از همین رو، این مرکز نقد و بررسی فعالیتها و اقدامهای خود را از جانب محققان و پژوهشگران و بویژه استادان دانشگاه و دست‌اندرکاران حوزه قضا و نیز ارائه پیشنهاد و مشارکت آنان را در این روند بزرگ‌ترین خدمت‌گزاری به خود می‌داند و از آن استقبال می‌کند.

۵. از ابتدای تشکیل مرکز مطالعات توسعه قضایی، بهره‌گیری از دستاوردهای نظام حقوقی اسلام - اعم از نظام حقوقی مبتنی بر فقه شیعه و فقه اهل سنت - از دغدغه‌های مهم و اولویت‌دار این مرکز بوده است. در این راستا، مرکز تحقیقات فقهی قم تشکیل شد تا تحقیقات و پژوهشهای مربوط به این حوزه را به طور مستقل پوشش دهد. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه در برنامه پنج ساله دوم توسعه قضایی مسئولیت بازنگری و اصلاح قوانین و بویژه قانون مجازات اسلامی را بر عهده گرفت. در این راستا، این مرکز به تشکیل گروههای تخصصی حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و کلیات قانون مجازات اسلامی اقدام کرد. از جمله حوزه‌های مورد مطالعه در این گروهها عبارت‌اند از: آسیب‌شناسی حوزه‌های کاری، استفتائات مربوط به قصاص، بحث و پژوهش در مورد بلوغ و رشد، لوث، دیات، جایگاه مصالحه و میانجی‌گری در فقه و قانون و دلایل دعوا، بررسی و تحقیق این گروهها در بسیاری از موارد به پایان رسیده و در بقیه موارد نیز در حال انجام است.

کتاب نظام حقوق کیفری اسلام نیز از جمله کتابهای مبتنی بر فقه اهل سنت است که به منظور آشنایی جامعه حقوقی ایران با آرای حقوق دانان کیفری اهل سنت و باز کردن راه بحث و گفت‌وگو میان مذهبهای مختلف اسلامی ترجمه شده است. لازم به یادآوری است که بخشهایی از این کتاب به دلیل عدم ضرورت ترجمه نشده است. امید است که این اثر برای جامعه حقوقی سودمند باشد.

علیرضا جمشیدی

معاون حقوقی و توسعه قضایی

و رئیس مرکز مطالعات توسعه قضایی

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
۱. قانون بیگانه بر ملت تحمیل شده است	۱
۲. ائت اسلامی هنگام تحمیل قوانین اروپایی مورد مشورت قرار نگرفت	۱
۳. پیاده شدن شریعت اسلامی خواسته ملت است	۴
۴. تلاش برای اجرای احکام کیفری اسلامی	۶
۵. تلاشهای علمی انجام شده	۷
۶. قانون گذاری کیفری اسلامی	۱۰
۷. مسیر و هدف	۱۹
۸. تقسیم بندی	۲۱

بخش نخست: اصول قانون گذاری کیفری اسلامی

فصل نخست: اصول موضوعه	۲۳
۱. هیچ جرم یا مجازاتی وجود ندارد مگر به حکم قانون	۲۳
۹. اقتضای این قاعده و تحولات تاریخی آن	۲۳
۱۰. جایگاه این قاعده در حقوق انگلستان	۲۵
۱۱. قوانین کشورهای عربی و اصل قانون مندی	۲۶
۱۲. نظام کیفری اسلامی و اصل قانون مندی	۲۶
۲. تسری نیافتن قوانین کیفری به گذشته	۲۸
۱۳. نظر مخالف و رد آن	۲۹
۳. برابری در برابر قوانین کیفری	۲۹
۱۴. موقعیت این قاعده در حقوق کیفری معاصر	۲۹
۱۵. موضع شریعت اسلامی در برابر این قاعده	۲۹
۴. هدفهای مجازات	۳۱
۱۶. مجازات کیفر جرم است و در برابر جرم به شمار می رود	۳۱

۱۷. هدف از وضع مجازات بازدارندگی یا پیشگیری از ارتکاب جرم است	۳۴
۱۸. هدف از مجازات اصلاح مجرم است	۳۷
۱۹. تجویز مجازات بر اساس سایر دیدگاهها	۴۱
فصل دوم: بنیادهای اجرایی	۴۳
۱. حقوق الله و حقوق الناس	۴۳
۲۰. تقسیم جرمها به جرمهای علیه حق الله و جرمهای علیه حق فرد	۴۴
۲۱. نظر فقیهان در توصیف جرم قذف	۴۴
۲۲. نتایج عینی تمایز میان حق الله و حق فرد (حق الناس)	۴۵
۲۳. حدود جواز هر دو نوع «عفو» در نظام کیفری اسلامی	۴۹
۲۴. نتایج اجرایی تمایز میان جرمهای علیه حق الله و حق الناس	۵۱
۲. قاعدۀ سقوط حد با شبهه (درء الحدود بالشبهات)	۵۲
۲۵. قاعدۀ درء قاعدۀ فقهی است نه نصی	۵۳
۲۶. مضمون قاعدۀ درء و مبنای آن	۵۶
۲۷. قاعدۀ درء و اصل برائت	۵۸
۲۸. شرط یقین در انظام اثبات کیفری	۶۱
۲۹. تعزیر و سقوط مجازات با شبهه	۶۴
۳۰. ارزیابی قاعدۀ سقوط حد با شبهه	۶۸
۳. توبه و عفو	۷۱
۳۱. مقدمه: اسبابی که مانع استیفای حق حکومت در مجازات مجرمان می شوند	۷۱
۳۲. عذرهای معاف کننده مجازات	۷۱
۳۳. اسباب مانع اجرای حق حکومت در مورد مجازات مجرم و اراده وی	۷۲
۳۴. عذر معاف کننده و اراده مجرم	۷۳
۳۵. توبه و تأثیر آن بر معافیت از مجازات	۷۶
۳۶. توبه از جرم محاربه	۷۷

۳۷. تأثیر توبه بر جرمهای دیگر به جز محاربه.....	۷۹
۳۸. نکاتی در مورد نظریهٔ [تأثیر] توبه.....	۸۳
۳۹. گذشت صاحب حق و تأثیر آن بر مجازات.....	۸۴
۴۰. گذشت و صلح در برخی از قوانین کیفری عربی.....	۸۷
بخش دوم: جرمهای مستوجب حد و مجازات آنها	
۴۱. مقدمه و تقسیم‌بندی: جرمها و مجازاتها.....	۹۲
۴۲. تعریف جرمهای حدی.....	۹۴
فصل نخست: جرمهای غیر حدی.....	
۴۳. تعریف.....	۹۷
۱. بغی.....	۹۸
۴۴. احکام بنات [= یاغیان].....	۹۸
۴۵. یاغی‌گری و جرمهای علیه امنیت در نظام کیفری معاصر.....	۱۰۱
۲. شرب خمر.....	۱۰۳
۴۶. مقدمه: تحریم خمر.....	۱۰۳
۴۷. جرم‌انگاری شرب خمر.....	۱۰۵
۴۸. مذهبهای فقهی و مجازات شرب خمر.....	۱۰۷
۴۹. قرآن و سنت و مجازات شرب خمر.....	۱۰۹
۵۰. صحابه و مجازات شرب خمر.....	۱۱۲
۵۱. ادعای اجماع در مورد حد شرب خمر.....	۱۱۵
۵۲. مجازات شراب‌خواری مجازاتی تعزیری است.....	۱۲۰
۵۳. دو رویه برای قانون‌گذاری.....	۱۲۲
۳. ارتداد.....	۱۲۵
۵۴. مقدمه و تقسیم‌بندی.....	۱۲۵
۵۵. آیه‌های قرآن کریم در مورد ارتداد.....	۱۲۷

۵۶	آیا سخن خدای متعال مبنی بر «اکراه در دین نیست» نسخ شده است؟	۱۳۰
۵۷	حدیثهایی از پیامبر (ص) در مورد مجازات ارتداد	۱۳۳
۵۸	حدیث محاربین از عکل و عرینه	۱۳۴
۵۹	حدیث مربوط به اسباب مهدورالدم بودن مسلمان	۱۳۵
۶۰	حدیث «من بذل دینه فاقتلوه»	۱۳۶
۶۱	نظریه‌ای در مورد مجازات ارتداد	۱۳۹
۶۲	جایگاه ارتداد در [طرح] اصلاح قانون مجازات مصر	۱۴۶
۶۳	جایگاه ارتداد در طرح قانونی اصلاح شده برای قانون مجازات	۱۴۹
فصل دوم: «جرمهای مستوجب حد» مورد اتفاق همگان		
۱۵۱	۱. سرقت	۱۵۱
۶۴	تعریف و مقدمه	۱۵۱
۶۵	مجازات سرقت	۱۵۵
۶۶	شرط قرار داشتن مال مسروقه در حرز	۱۵۷
۶۷	نصاب سرقت	۱۵۹
۶۸	محل قطع دست، و اینکه آیا در صورت تکرار جرم [سرقت]، قطع دست نیز تکرار می‌شود؟	۱۶۴
۶۹	سرقت اموال عمومی	۱۶۹
۲. محاربه		
۷۰	مقدمه و تعریف	۱۷۲
۷۱	مجازات محاربه	۱۷۳
۷۲	محل ارتکاب جرم محاربه	۱۷۶
۷۳	اجرای مجازاتها در جرم محاربه و ترتیب آن	۱۷۸
۷۴	مجازات تبعید برای [محاربه]	۱۸۸
۷۵	سقوط جرمها و مجازاتها	۱۹۰

۷۶. کنترل و نظارت دیوان عالی	۱۹۳
۳. قذف	۱۹۴
۷۷. مجازات قذف	۱۹۴
۷۸. قذف صریح و غیر صریح	۱۹۶
۷۹. ماهیت مجازات قذف (آیا این مجازات حق الله است یا حق الناس؟)	۱۹۸
۸۰. تأثیر توبه قذف کننده	۲۰۰
۸۱. تلاشهای انجام شده در قانون گذاری معاصر	۲۰۱
۴. زنا	۲۰۳
۸۲. مقدمه: تعریف جرم و بیان مجازات آن	۲۰۳
۸۳. ادعای نسخ و رد آن	۲۰۶
۸۴. ادعای یکسان بودن مجازات محصن و غیر محصن	۲۱۱
۸۵. تمایز میان محصن و غیر محصن	۲۱۴
۸۶. چرا شریعت اسلامی برای زنا مجازات تعیین کرده است؟	۲۱۷
کتاب شناسی	۲۲۱
نمایه موضوعی	۲۲۹
نمایه نامها	۲۳۵

مقدمه

۱. قانون بیگانه بر ملت تحمیل شده است

اینکه می‌گویند «امت مسلمان بی هیچ فشاری قوانین اروپایی اصرار را پذیرفته و از صد سال پیش تا کنون همواره آنها را پذیرفته و به آن رضایت داده اند، اشتباه فاحشی است که به حالت مغالطه آشکاری رسیده است.

از نظر ما، این دیدگاه به دو دلیل متضمن خطای آشکار یا مغالطه روشنی است. نخست، امت اسلامی قوانین اروپایی را نپذیرفته و به آن رضایت نداده، بلکه بی آنکه در ابتدای امر در مورد این موضوع با مردم مشورت شود، بر آنان تحمیل شده است. دوم، متفکران جامعه و اهل تفکر از هنگام شروع گفت‌وگوهای اولیه برای تحمیل قوانین اروپایی و حتی امروزه خواهان بازگشت قوانین اسلامی در سرزمینهای اسلامی اند.

همچنین، بازگشت به قوانین اسلامی خواسته عموم مسلمانان در طول سده‌های متمادی در سراسر جهان اسلام بوده است.

توضیحات مختصری را درباره این دو مورد بیان می‌کنیم.

۲. امت اسلامی هنگام تحمیل قوانین اروپایی مورد مشورت قرار نگرفت

در میان کشورهای عربی، مصر نخستین کشوری بود که قوانین بنیادی اروپایی را پیاده و جانشین قوانین اسلامی کرد. آنچه در مصر در مورد چگونگی تحمیل قوانین اروپایی اتفاق افتاد، نمونه صادقی است از آنچه در سایر کشورهای عربی و اسلامی اتفاق افتاده است. بنابراین، قوانین اروپایی ابتدا در دادگاههای عمومی که برای حمایت از سیطره نهایی بیگانگان بر مصر ایجاد

شده بود، پیاده شد. از این قوانین با عنوان امتیازهای بیگانگان نام برده می‌شد. این امتیازها برای اتباع بیگانه در مصر معافیت از مالیات را به ارمنان می‌آورد و در دادگاههای مدنی و کیفری در برابر دادگاههای عمومی به آنان حق قانونی می‌داد. بیشتر دادرسان دادگاههای عمومی از بیگانگان بودند و قانون مورد اجرا قانون بیگانه بود.

هنگامی که هیئت وزیران خواست اوضاع قانونی را بررسی کند و قوانینی را که در دادگاههای محلی به آنها استناد می‌شد برشمرد، چند هیئت (کمیته) تشکیل شد (در ۲۷ ژوئیه ۱۸۸۰م) که در رأس آنها حسین فخری پاشا وزیر دادگستری بود. افراد دیگری نیز افزوده شدند: پطرس غالی بک، میخائیل کهیل بک، بوریلی بک، مسیو آرا و مسیو فاشیه. همان گونه که از نام آنان مشخص است، به استثنای نفر نخست و دوم که به ترتیب مسیحی و مصری بودند، همه آنان از بیگانگان بودند. در کمیته، قدری بک و عبدالسمیع افندی دو عضو مسلمان بودند که قدری بک دادرس دادگاههای عمومی و افندی دادرس دادگاه عمومی مصر بود. در پی این کمیته، هیئت دیگری در هفتم نوامبر ۱۸۸۱ میلادی تشکیل شد که چهار عضو از اعضای کمیته نخست را شامل می‌شد. از این ۴ عضو، سه نفرشان غیرمصری بودند. مشخص است که امکان ندارد هیئتهایی که شیوه تشکیل آنها این گونه بوده و رکنهای اصلی در آنها غیرمصری باشد، جز برای ایجاد سلطه بیگانه در سرزمینهای اسلامی و تحقق هدفهای دشمنان آنان کار دیگری انجام دهند. اگر گفته شود که کمیته دوم کار خود را به اتمام نرساند، می‌توان ادعا کرد که همان کار کمیته نخست را انجام داد که آن هم به سبب اشغال نظامی انگلیس در مصر در ۹ سپتامبر ۱۸۸۱ بود. وزیر دادگستری حسین فخری پاشا در اظهارات اخیر خود در مجلس وزیران در مورد عدم وضع قانون مطابق شریعت اسلامی این گونه استدلال کرد که «اکنون مشکلاتی در مورد مردم وجود دارد که به مشخص شدن نیازی ندارند» و این مشکلات مانع اجرای احکام اسلامی است. منظور ایشان از اکنون چیزی جز اشغال انگلیس نبود. این امر مشخص می‌کند که چگونه و چرا مجلس وزیران مقرر داشته است که «قوانینی که اکنون در دادگاههای عمومی اجرا می‌شوند، در دادگاههای جدید نیز اجرا شوند (همچنان که اکنون اجرا می‌شوند)؛ البته، به استثنای قانون مجازات و قانون تحقیق در مورد جرم که این دو قانون متناسب با سرزمینهای مختلف اصلاح شده اند».

بنابراین، قوانین اروپایی بر مردم مصر تحمیل نشد؛ البته به استثنای هنگامی که کشور تحت اشغال انگلیس بود. در سایه سرنیزه‌ای که انقلاب عربی را نابود کرده بود، در اوضاع - و احوالی مجلس وزیران تصمیمی را مبنی بر «عمل به قوانین مطابق شریعت اسلامی» اتخاذ کرده بود. ولی، در مورد نوع قوانینی که این دادگاههای جدید اجرا می‌کردند و ارتباط آنها با واقعیت اجتماعی و قانونی در مصر، کافی است که گفته یکی از دادرسان ایتالیایی - دادرس مسینا - را در این زمینه نقل کنیم: «در این مورد اتفاق نظر هست که مجموعه قوانینی را که به زبان لاتینی و فرانسوی تدوین شده بود، وکیل مانوری برای وضع قوانین مصر برگزیده بود و او مأمور هیئت دولت برای بررسی قوانین حکومت مصر برای تشکیل دادگاههای عمومی بود. او چنین کار مهمی را طی مدتی کمتر از زمان نگارش یک کتاب کوچک تمام کرد. بنابراین، او در قوانین شش‌گانه‌ای که تدوین کرد، عبارتهای قوانین اروپایی را به همان شکل همراه با اختصار تکرار کرد و به تطابق آن قوانین با وضعیت اجتماعی مصر توجهی نداشت و برخی از آن قوانین را نیز بی دلیل حذف کرد... پس، این قانون‌گذاری یک قانون‌گذاری مصری نبود، بلکه وارداتی و کار یک شخص بود. در وضع و تدوین این قوانین نیز عجله بسیاری شده و تدوین‌کننده آنها هرگز در زمینه علمی و حرفه‌ای از حد متوسط تجاوز نکرد». دادرس مسینا سپس ماهیت این قوانین را چنین توصیف کرد: «اینها قوانینی‌اند که از اینجا و آنجا بدون رعایت اصول قانون‌گذاری گردآوری شده‌اند و با نیازهای مردم و مصالح آنان سختی ندارند... گرچه روح پیشوای مدرسه تاریخی ساقینی از تصور اینکه ملت مصر قوانین خود را از جایی وارد کند یا قرض بگیرد، از ترس به خود می‌لرزید». همچنین، قوانین اصالتاً اروپایی‌ای که در مصر پیاده شد، قوانینی بودند که هیئتهایی آنها را توصیه کرده بودند که نیم یا بیش از نیمی از اعضای آنها بیگانه بودند و توصیه آنها در شرایطی که مصر در اشغال بیگانگان بود، به مجلس وزیران تقدیم شد؛ مجلسی که اعضای آن مردمی نبوده و از همفکران و طرفداران اشغالگران بوده و در برابر آنان خاضع بودند. وضع این قوانین را بر عهده وکیل بی‌فرهنگ بیگانه‌ای گذاشتند و مجلس وزیران (نظار) آنها را تصویب کرد؛ در حالی که مردم مخالف آن بودند. در واقع، موافق مجلس وزیران در هنگام انقلاب عربی بود که برای جلب نظر مردم، قوانین را به کمک شریعت اسلامی تصویب می‌کرد. پس از روشن شدن این مسائل، آیا

می‌توان گفت که امت اسلامی از این قوانین رضایت داشتند در حالی که این قوانین بدون مشورت با مردم و برخلاف میل آنان تحمیل شده بود؟ بنابراین، در طول تاریخ نظم قانونی، مرحله‌های مختلف تدوین این قانون بی‌سابقه و نادر است.

۳. پیاده شدن شریعت اسلامی خواسته ملت است

پیشتر تصمیم هیئت وزیران در اتنای انقلاب عربی مبنی بر وضع قوانین برگرفته از شریعت اسلامی توضیح داده شد و بیان شد که اشغال انگلیس که این انقلاب را ساقط کرد، علت اجرا نشدن این تصمیم مجلس وزیران بود. بی‌تردید، انقلاب عربی در این تصمیم و در همه منطبق خود صادق‌ترین تعبیر از نهاد ملت مصر را ارائه می‌داد و دقیق‌ترین تصویز گرایش فرزندان مصر (همان کسانی که انقلاب کرده بودند و انقلاب بر آنان تأثیر گذاشته بود) را نمایش می‌داد.

حدود نیم سده پیش از قیام انقلاب عربی، حکومت مصر به وضع قوانینی که از شریعت اسلامی گرفته شده و به مذهب معینی تعلق نداشته باشند، گرایش یافت. بنابراین، محمدعلی پاشا به مفتی اسکندریه شیخ محمد جزایری فرمانی مبنی بر وضع «قانون از متن شریعت به گونه‌ای که مقید به مذهب معینی نباشد» را صادر کرد. احتمالاً سرعت تحولات سیاسی داخل و بیرون مصر مانع از این تشریع شد و وقتی ملت خواست که در زمان تشکیل دادگاههای محلی فکر آن را دوباره زنده کند، اشغال مصر از جانب بریتانیا تنها سبب خاموش شدن این تلاشها و تحمیل قانون فرانسوی بر شهرها بود.

ولی، متفکران ملت و رهبران فکری جامعه و حقوق‌دانان در هر فرصتی که پیش می‌آمد، فریاد بازگشت به اجرای شریعت اصیل در مصر و شریعت اسلامی را سر می‌دادند. شاید، از مهم‌ترین مناسباتی که موجب فریاد بازگشت به شریعت این افراد شد، بازنگری قانون مدنی مصر و تصویب قانون مدنی جدید در سال ۱۹۴۸ م بود. بنابراین، دادرسان دیوان عالی کشور^۱ و شیوخ دانشگاه الازهر هیئتی را تشکیل دادند. این هیئت لایحه‌ای را به مجلس سنا تقدیم کرد که حاوی پیشنهاد آنان مبنی بر تدوین قانون مدنی برگرفته از شریعت اسلام بود. به همراه این

۱. بالاترین دادگاه استیناف در مصر

پیشنهاد، نمونه‌ای از قانون درخواستی خود را به شکل لایحه تقدیم کردند که حاوی وضع قانون کاملی در مبحث عقد بود که عبارتهای آن برگرفته از فقه اسلامی بود و در خلال آن مقایسه‌ای میان قانون پیشنهادی اسلامی با قانون مدنی رسمی مصر انجام شده بود. کانون وکیلان نیز به کار این هیئت توجه نشان داده و چند شماره از مجله خود به نام «المحاماة» را به آن اختصاص داد و در مارس ۱۹۴۸ م یعنی چهار ماه پیش از تصویب قانون مدنی در ژوئیه ۱۹۴۸ م انتشار یافت. رئیس دیوان عالی - مفتی جزایرلی پاشا - و یکی از اعضای این دادگاه - احمد علویه پاشا - نیز رأی خود را در موافقت با این اعتراض اعلام کردند. با اینکه دکتر عبدالرزاق سنه‌وری نسبت به کار این هیئت انتقاد کرد، در واقع خود ایشان پیش از اینکه مکلف به تدوین قانون مدنی مصوب ۱۹۴۸ م بشود و حتی پس از تصویب این قانون، از بزرگ‌ترین منادیان استفاده از فقه اسلامی در ساختار نظم قانونی مصر بود. وی همان کسی است که می‌گوید استفاده از فقه اسلامی «گرمای‌ترین آرزویی است که سینه‌ها را پر کرده است و همه جوانب را دربرمی‌گیرد».

به گفته استاد سنه‌وری، «در این زمینه پیشاپیش شما قرار دارم که در ذخایر شریعت اسلامی خاستگاهها و نظریه‌هایی بیابیم که در تعالی و ارتقای ساختار حقوقی کمک بسیاری بکند و از آنها برای تحکیم این ساختار در زمینه مبادی و نظریه‌های جدید استفاده شود و بیشتر این مبادی و نظریه‌ها بر قوانین غربی مقدم اند».

کتابهای استاد سنه‌وری در شرح قانون مدنی مصر و نیز کتاب خاستگاههای حقیقت در فقه اسلامی و نیز رساله او در مورد خلافت که به زبان فرانسوی نوشته شده است و بحثهای متعدد ایشان در مورد مقایسه میان شریعت اسلامی و نظامهای حقوقی دیگر، آشکارا گویای ایمان او به اتکا بر شریعت اسلامی در تدوین نظام حقوقی در کشورهای اسلامی است. حتی وی گاهی به صراحت این ادعا را مطرح کرده و اظهار داشته است که «عمل به قانون عربی که از جانب خدای یگانه تدوین شده است، مورد توجه ما ست» و اساس آن را فقه اسلامی می‌داند.

بزرگان و دست‌اندرکاران مسائل حقوقی که به بررسی شریعت اسلامی پرداخته اند - اعم از استادان حقوق در دانشگاهها یا دادرسان و وکیلان -، نیز مانند استاد سنه‌وری خواستار مبتنی بودن قوانین بر شریعت اسلامی اند. حتی برخی از بیگانگانی که در مصر در پر تو طرح امتیازهای

بیگانگان و نیز قضاوت عام دارای سمتهای عالی قضایی اند، نیز بر این باور- اند که «به منزله کشوری اسلامی، ضرورت دارد که قانون مصر بر اساس پیشینه فرهنگی اسلامی اش باشد. زیرا، این امر با روح جامعه قانونی سازگاری بیشتری دارد».

آن دسته از متفکران امت و اهل نظر نیز که در بیرون از مصر مقیم بودند، نسبت به برادران خود که در داخل مصر برای عمل به شریعت اسلامی جهت ساختن نظام حقوقی جدید تلاش می کردند، سهم کمتری نداشتند. همچنین، شرایطی که سایر کشورهای اسلامی هنگام تحمیل قانون بیگانه داشتند، اختلاف چندانی با شرایط مصر نداشت.

۴. تلاش برای اجرای احکام کیفری اسلامی

دعوتهای متعددی که برای اجرای شریعت اسلامی صورت گرفت، به عاملی برای تغییر جهت بررسیهای قانونی در دانشگاهها برای گرایش به سمت شریعت اسلامی تبدیل شد و همه شاخه های حقوقی کم- و بیش از مقایسه با شریعت اسلامی بهره مند شدند.

در این میان، حقوق کیفری بهره ویژه ای داشت. این امر در شماری از رساله های دکتری که در زمینه موضوعهای کیفری تقدیم دانشگاههای مصر شد و مأخذ و مبنای اصلی آنها نظام کیفری اسلامی مانند قصاص و دیات بود، جلوه و ظهور خاصی یافت. همچنین، این مسئله در رساله هایی که یکی از اجزای اصلی آنها مقایسه نظریه های کیفری جدید با نظریه های مشابه آنها در فقه اسلامی بود، تبلور ویژه یافت.

حرکت فراگیر اسلامی که بسیاری از روشنفکران و فرهیختگان از جمله هواداران آن بودند، تأثیر بسیاری در توجیه افکار عمومی در مصر و در سایر کشورهای عربی داشت؛ از جمله، لزوم اعمال متون کیفری اسلامی در نهاد مردم و فراهم کردن موجبات پیدایش نوشته های بسیاری در زمینه نظام کیفری اسلامی که شاید بتوان کتاب مرحوم استاد عبدالقادر عوده با عنوان *التشريع الجنائي الاسلامي مقارناً بالقانون الوصفي* را از مهم ترین و تأثیرگذارترین آنها دانست.

آثار این دو عامل در چهار دهه آخر سده بیستم بسیار بوده و طی این مدت از دعوت به شریعت اسلامی در زمینه مسائل کیفری با عنوان «ویژه» نام برده شده است. در حالی که، توجه خاصی که

در هفت سال گذشته به این مسئله شد، در آن چهار دهه به هیچ روی صورت نگرفت، بلکه اجرای عملی شریعت اسلام جز طی این چند سال در زمان دیگری یافت نمی‌شود. در برخی از کشورهای عربی و اسلامی، شریعت اسلامی به شکل ناگهانی به تازگی اجرا شده و تلاشهای علمی بسیار انجام شده در این مسیر برای قوانینی که تصویب شده یا تصویب خواهند شد، روشن است. ما به اختصار در مورد این دو موضوع سخن خواهیم گفت.

۵. تلاشهای علمی انجام شده

اگرچه بحثها و بررسیهای فردی رویه غالب در بررسی نظام کیفری اسلامی در دهه ۱۹۳۰ م بوده و تاکنون نیز ادامه یافته است، در خلال دهه ۱۹۷۰ م در کنار آن روش جدیدی به نام روش گروهی پدیدار شده که در قالب انجمنهای علمی مشخص یا گروههای علمی فراگیر بخشی از گوشه‌های نظام کیفری اسلامی را بررسی کرده یا گاهی با وسعت بیشتری در این زمینه تحقیق می‌کنند.

۱-۵. همایش دفاع اجتماعی و شریعت اسلامی

این همایش با همایش مشخصی که سازمان عربی برای دفاع اجتماعی علیه جرم در نوامبر ۱۹۶۹ م برگزار کرد، شروع شد. موضوع این همایش «رابطه میان دفاع اجتماعی و شریعت اسلامی» بود. در این همایش، در مورد رابطه میان احکام حقوق کیفری اسلامی و نظریه‌های دفاع اجتماعی بحث شد. در این بحث، شماری از حقوق‌دانان و عالمان دینی بزرگ شرکت کردند. آنچه مورد اتفاق همه شرکت‌کنندگان در این همایش بود، بازگشت به اجرای احکام شریعت اسلامی در مسائل کیفری در کشورهای عربی بود.

این همایش مسیری را برای سازمان عربی دفاع اجتماعی روشن کرد. برای نمونه، توجه به احکام فقه کیفری اسلامی را مد نظر آنها قرار داد. دبیرکل این سازمان در اظهارات خود در زمینه سیاست سازمان در این زمینه بهترین تعبیر را بکار برده است: «این سازمان به حرکت خود در مسیری که برگزیده است، ادامه می‌دهد. این مسیر عبارت است از اولویت دادن و توجه ویژه داشتن به بررسی احکام شریعت اسلامی در مورد خاستگاههای دفاع اجتماعی. این تلاش

دربرگیرنده چیزی بیش از کشف آن چیزی است که شریعت آسان برای نظم و سامان دادن به اوضاع توصیه کرده و نظامهای قانون‌گذاری جهان برای دسترسی یا نزدیکی به آن تلاش می‌کنند».

۲-۵. اجلاس منطقه‌ای برای مبارزه با مواد مخدر و سکرآور

در سال ۱۹۷۴ م، اجلاس ششم منطقه‌ای برای بررسی و مسائل مبارزه با مواد مخدر و سکرآور با مشارکت وزارت کشور عربستان سعودی و سازمان عربی دفاع اجتماعی در ریاض تشکیل شد. در این اجلاس، بُعد کیفری در قانون‌گذاری اسلامی سهم بسزایی در بررسیها و بحثهای این انجمن داشت (بویژه در زمینه‌های مربوط به مجازات شرب خمر و مواد مخدر).

۳-۵. گردهمایی بررسی دوم برای اصلاح عدالت کیفری

در ماه مه ۱۹۷۶ م، قاهره میزبان گردهمایی بررسی دوم برای تنظیم عدالت کیفری بود که مرکز ملی مطالعات اجتماعی و کیفری آن را سازماندهی کرده بود. موضوعهای این گردهمایی عبارت بودند از:

۱. منشأ شرعی در قانون و شریعت اسلامی؛

۲. مسئولیت کیفری در شریعت اسلامی و قوانین موضوعه؛

۳. دفاع اجتماعی و فقه اسلامی؛

۴. حدود و نظریه‌های جدید در مورد مجازات.

این گردهمایی در محل مرکز ملی مطالعات در قاهره تشکیل شد. در این گردهمایی، بیش از شصت نفر از اعضا مشارکت داشتند که در میان آنان استادان حقوق کیفری در دانشگاههای مصر و دانشگاههای عربی و نیز کارشناسان مرکز ملی مطالعات اجتماعی و کیفری و دادرسان دادگاههای مصر حضور داشتند.

۴-۵. همایش اجرای قوانین کیفری اسلام

چهارمین همایش علمی‌ای که به نظام کیفری اسلامی پرداخت، همایشی بود که در اکتبر ۱۹۷۶ م در شهر ریاض برگزار شد و موضوع آن «اجرای قوانین کیفری اسلام و تأثیر آن بر مبارزه با

جرم» بود و در ساماندهی آن افزون بر وزارت کشور عربستان سعودی، سازمان عربی دفاع اجتماعی نیز مشارکت داشت. شماری از استادان دانشگاه‌های عربی و سعودی و دادرسان دادگاه‌ها و دست‌اندرکاران مبارزه با جرم در امور مربوط به همایش مشارکت حضور داشتند. نمایندگان مؤسسه مبارزه با جرم و اصلاح مجرمان نیز که زیر نظر سازمان ملل متحد است، در امور آن مشارکت داشتند.

در این همایش، بحث‌های علمی‌ای در مورد زوایای مختلف نظری و اجرایی در نظام کیفری اسلام صورت گرفت و توصیه‌پایانی آن وجوب بازگشت به اجرای احکام کیفری اسلام بود.

۵-۵. نخستین همایش جهانی در زمینه فقه اسلامی

در نوامبر سال ۱۹۷۶ م، شهر ریاض شاهد نخستین انجمن جهانی در زمینه فقه اسلامی بود که دانشگاه اسلامی امام محمدبن‌سعود آن را سازماندهی کرد. از جمله موضوعهایی که در این همایش بحث‌های بسیاری را به خود اختصاص داد و بسیاری از تحقیقات ارائه شده به همایش را دربرگرفت، موضوع «حدود شرعی و اجرای آنها» بود. از جمله توصیه‌های این همایش نیز لزوم بازگشت به اجرای کامل احکام شریعت اسلامی (بویژه احکام کیفری) در همه جهان اسلام بود.

۵-۶. هفته فقه اسلامی پنجم

در پنجم نوامبر سال ۱۹۷۷ م، مجلس اعلای فنون و آداب و علوم اجتماعی در مصر هفته فقه اسلامی را به میزبانی دانشگاه اسلامی امام محمدبن‌سعود در ریاض برگزار کرد. یکی از موضوعهای این همایش «سقوط حد با شبهه» بود. شماری از استادان حقوق کیفری و شریعت اسلامی در دانشگاه‌های عربی بحث‌هایی را در مورد این موضوع ارائه کردند.

۵-۷. نخستین همایش حقوق بشر در پرتو قوانین کیفری اسلام

این همایش در ماه مه ۱۹۷۹ م با شرکت سازمان عربی برای دفاع اجتماعی ضد جرم در قاهره و تشکیلات دولتی قانون مجازات و مؤسسه دولتی حقوق کیفری تشکیل شد. برپایی این همایش در محل مؤسسه دولتی قانون جزا در شهر سیراکیوز در جزیره صقلیه ایتالیا آغاز مرحله جدیدی از تلاش جهانی برای بررسی حقوق کیفری اسلامی بود. بحث‌های علمی‌ای که در بیرون از جهان

اسلام صورت گرفت، دعوت گسترده‌ای به اجرای قوانین اسلامی در کشورهای مسلمان را در پی داشت.

سازمان عربی دفاع اجتماعی هفت برگه گزارش کار به این همایش تقدیم کرد که در مورد آن بحث‌های بسیاری صورت گرفت. این سازمان دهمین شماره مجله خود را به چاپ آنها اختصاص داد. این گزارش کار به انگلیسی نیز ترجمه شد و استاد دکتر شریف بسیونی در کتابی با عنوان *The Islamic Criminal Justice System* (London, 1982) آنها را منتشر کرد.

۸-۵. همایش مرکز عربی پژوهش‌های مربوط به امنیت متهم و حقوق او در ژوئن ۱۹۸۲ م مطابق با شعبان ۱۴۰۲ ه.ق، مرکز عربی پژوهش‌های مربوط به امنیت و آموزش در ریاض همایشی را با عنوان متهم و حقوق او در اسلام برگزار کرد. در خلال این همایش، پژوهش‌های گسترده‌ای درباره حقوق متهم در مرحله‌های مختلف فرایند کیفری ارائه شد و سرانجام، پیشنهادهایی در این زمینه ارائه شد. این مرکز بحث‌های ارائه شده در این همایش را در کتاب مستقلی چاپ کرد.

۶. قانون‌گذاری کیفری اسلامی

۱-۶ کویت

کویت نخستین کشور عربی بود که احکام شریعت اسلامی را به منزله قانون برگزید. بنابراین، قانون شماره ۳۶ در سال ۱۹۶۴ م تصویب شد تا برخی از احکام قانون مجازات شماره ۱۶ در سال ۱۹۶۰ م را اصلاح کند. قانون جدید مواد ۲۰۶(الف) و ۲۰۶(ب) و ۲۰۶(پ) را به قانون مجازات کویت افزود. قانون دیگر نیز ماده ۲۰۶ را اصلاح کرد. بر اساس این اصلاح، مجازات تهیه خمر یا به بیان دیگر نوشیدنیهای مست‌کننده یا وارد کردن یا درست کردن آنها به قصد خرید و فروش تا ده سال حبس است (م. ۲۰۶).

ولی، در صورتی که تهیه یا وارد کردن خمر به قصد خرید و فروش یا پخش آنها نباشد، مباشر جرم به پرداخت جریمه تا صد دینار محکوم می‌شود و در صورت تکرار، تا شش ماه حبس و جریمه نقدی تا صد دینار یا یکی از این دو مجازات محکوم می‌شود (م. ۲۰۶). مطابق ماده

۲۰۶، وارد کردن نوشیدنیهای مستکننده برای سفارتخانه‌ها و هیئتهای دیپلماتی فعال کویت از این حکم مستثنا اند.

به گفته روزنامه‌ها، پارلمان کویت موافقت کرد که با حذف استثنای مقرر شده، این ماده را اصلاح کند (الشرق الاوسط: ش ۱۵۴۱، ۱۶/۲/۱۹۸۳ م). بر اساس مطالب منتشرشده این روزنامه، گرچه ۱۰ نفر از نمایندگان مجلس از رأی دادن خودداری کردند، هیچ یک از آنان با این اصلاح مخالف نبود.

در نتیجه، ماده بدین شکل تدوین شد که «هر کس به قصد خرید و فروش و پخش مواد مستکننده، به خرید، فروش، انتقال، گرفتن یا به دست آوردن این مواد به هر شکل اقدام کند، به حبس تا سه سال و جریمه نقدی تا ۳۰۰ دینار محکوم می‌شود (م. ۲۰۶ (الف)). مطابق ماده ۲۰۶ (ب)، مجازات رد و بدل کردن خمر یا نوشیدنیهای مستکننده در مکانهای عمومی یا خاص و ایجاد اغتشاش در اثر نوشیدن خمر و نیز مجازات یافتن انسان در حالت مستی آشکار حبس تا شش ماه و جریمه نقدی تا ۵۰ دینار یا یکی از این دو مجازات است. در صورت تکرار این جرم، مجازات فرد مطابق ماده ۲۰۶ (پ) تشدید می‌شود؛ به شرط آنکه مجازات حبس از دو برابر بالاترین میزان حبس تعیین شده در موارد پیشین یا از ۱۵ سال بیشتر نشود.

تصویب قانون شماره ۴۶ در سال ۱۹۶۴ در کویت در واقع پاسخی به گرایش عمومی مردم بود که همه گروهها پیش و پس از تصویب این قانون ابراز کرده بودند. شاید، از جمله موانع بروز افکار عمومی کویت در این جهت آن بود که ظاهر قانون در سایه نص اصلی ماده ۲۰۶ قانون جزا که عبارت بود از «رد و بدل کردن نوشیدنیهای مستکننده و خرید و فروش آنها جز برای رد و بدل کردن خمر در مکانهای عمومی مجازاتی» مقدر بود. مناقشه‌ای که برخی از افراد حتی در داخل مجلس کویت در این مورد شروع کردند، نتوانست در برابر خواست عمومی مردم پایداری کند. سرانجام، پس از گذشت کمتر از چهار سال از اجرای قانون مجازات جدید، قانون شماره ۴۶ در سال ۱۹۶۴ م تصویب شد تا نخستین پاسخ به شریعت اسلامی باشد. برخی از افراد نسبت به مجازاتهایی که قانون‌گذار در این قانون تعیین کرده بود، اعتراض کردند و در مورد خرید و فروش مسکرات و رد و بدل کردن آنها اظهار داشتند که مجازات تعیین شده با آنچه جمهور فقیهان در

مورد مجازات شرب خمر بیان کرده اند، تطابقی ندارد. در ادامه این کتاب، این مسئله به طور مفصل بررسی می شود.

۱-۶ قانون مجازات کویت

وزارت کشور کویت ضمن برنامه ای برای بازنگری در قوانین، هیئتی را برای بررسی قانون مجازات تشکیل داد. این هیئت که از شماری از حقوق دانان بزرگ عرب تشکیل می شد، مجموعه قوانینی را برای تدوین قانونی جامع به اعضای کویتی ارائه کرد. قانون مجازات کویت در ۴۱۱ ماده تدوین شد و سه کتاب نیز به آن پیوست شد:

دفتر نخست: اصول مسئولیت کیفری و عدالت در مجازات؛

دفتر دوم: قصاص و حدود شرعی؛

دفتر سوم: جرمها و جنحه های تعزیری.

مواد موجود در هر دفتر به دسته های متعددی تقسیم شد و به هر دسته از آنها بخشی از بخشهای کتاب که با یکدیگر همخوانی داشتند، افزوده شد. این قانون به طور محدود در کویت منتشر شد و سپس برخی از مجله های اسلامی اقدام به نشر برخی از مواد آن کردند و به آنها تعلیق و حاشیه زدند. پس از انتشار این قانون، برخی از حقوق دانانی که در کویت در کار قضاوت دست داشتند، هیئتی را برای بازنگری در آن تشکیل دادند. هیئت یاد شده آن قانون را به طور کامل مورد بازنگری قرار داد و سرانجام، قانون اصلاح شده ای را ارائه کرد که در واقع انطباق بیشتری با احکام شریعت اسلامی و فقه کیفری اسلامی داشت.

در این مجال اندک نمی توان به تفصیل در مورد قانون اصلی یا قوانین اصلاح شده سخن به میان آورد. شاید در جای دیگری این فرصت فراهم شود و به تفصیل در مورد آنها بحث کنیم. در اینجا، یادآوری این نکته کافی است که قانون اصلی کویت هرگز مطالعات و بررسیها را محدود نکرد و بی تردید، برخی از جهات معین در قانون گذاری کویت به سرنوشت قانون مجازات دچار خواهند شد. البته، دلیلی برای انتقاد از برخی مفاد آنها نداریم.

۲-۶ لیبی

انقلاب لیبی در یکم سپتامبر ۱۹۶۹ م صورت گرفت و در نتیجه آن، نظام پادشاهی لغو شده و به نظام جمهوری تغییر یافت. در اعلامیه نخست انقلاب، قصد رسیدن به «آرمانهای معنوی ناب کتاب مقدس قرآن» اعلام شد.

حکومت جدید (نظام جمهوری) در لیبی اعلامیه نخست خود را به شمار مصوبه‌های مجلس رهبری انقلاب پیگیری کرد که این مصوبه‌ها از توجه به پیاده کردن احکام شریعت اسلامی حکایت می‌کرد. در اینجا، مقصود ما مصوبه خاصی است که در مورد ممنوعیت شرب خمر ورد و - بدل کردن آن در لیبی تصویب شد و مجازاتهایی را برای مخالفت با این نهی مقرر کرد.

در ۱۱ اکتبر ۱۹۷۲ م، مجلس رهبری انقلاب در لیبی مصوبه‌ای را تصویب کرد که اصلاح‌کننده قانون مجازات لیبی بود و اقتضا می‌کرد که در مورد جرمهای سرقت و محاربه حدود مقرر اجرا شود. این مصوبه احکام و قوانین این دو جرم و مجازات مربوط به آنها را بر اساس شریعت اسلامی دربرگرفت و قانون‌گذار در این راستا به مذهب فقهی خاصی ملتزم نبود. در ۶ رمضان ۱۳۹۳ هـ ق مطابق با ۱۲ اکتبر ۱۹۷۳ م، قانون شماره ۷۰ تصویب شد که مطابق آن، مجازات زنا را مقرر در شریعت اسلام می‌بایست اجرا می‌شد.

سپس، قانون شماره ۵۲ در مورد اجرای حد قذف در ۲۹ شعبان سال ۱۳۹۴ هـ ق مطابق با ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۴ م و در پی آن قانون شماره ۸۹ در سال ۱۳۹۴ هـ ق (۱۹۷۴ م) در مورد تحریم خمر و قانون اجرای حد شرب خمر در ۶ ذی‌قعدة ۱۳۹۴ مطابق با ۲۰ نوامبر ۱۹۷۴ م نیز تصویب شد.

شماری قانون‌گیرانی نیز تصویب شد که برگرفته از شریعت اسلامی بود. از جمله آنها قانون زکات بود که در ۱۲۸ اکتبر ۱۹۷۱ م تصویب شد. قانون دیگری نیز آماده شد که به تصویب نرسید.

قوانین کیفری یاد شده ثمره تلاشهای هیئتهای بازنگری در قوانین و در رأس آنها هیئت عالی بازنگری در قوانین بود. مصوبه مجلس رهبری انقلاب در لیبی مبنی بر تشکیل این هیئت و دیگر کمیته‌های بازنگری در قوانین در ۲۸ اکتبر سال ۱۹۷۱ م تصویب شد. در ماده دوم این

مصوبه آشکارا بیان شده بود که این هیئتها مسئولیت «گردآوری و نشان دادن قوانین موجود مغایر با قوانین قطعی و قواعد اساسی شریعت اسلامی و نیز اقدام عملی برای رفع این مغایرت از رهگذر تهیه قوانین جانشین از مذہبهای مختلف با رعایت ساده‌ترین جانشین با توجه به اقتضای مصلحت عامه و با رعایت جریان متعارف در شهرها را بر عهده دارند».

ماده چهارم این مصوبه آشکارا مقرر می‌داشت که هیئتهای عالی مسئول «وضع قوانین و اصولی اند که در بازنگری قوانین باید رعایت شوند... و هیئتهای عالی دستاوردهای کمیته‌های دیگر - از قبیل قوانین و پیشنهادهای ارائه شده - را بررسی می‌کنند و مسئول بازنگری در آنها و قرار دادن‌شان در ساختار نهایی قانونی خود است».

رئیس هیئت عالی بازنگری قوانین در لیبی - مستشار علی علی منصور - با اشاره به چالشها و مشکلات ایجاد شده بر سر راه این هیئت اظهار داشت که این مشکلات مانع اتمام کار هیئت شده و تصویب قوانین اسلامی‌ای را که این هیئت به طور بالفعل تهیه کرده بود، متوقف کرده است. ولی، ایشان به تفصیل در مورد این چالشها و سختیها سخن نگفتند و به اشاره‌ای در مورد آنها اکتفا کردند.

در واقع، تا آنجا که می‌دانیم، قانون شماره ۸۹ مصوب ۱۳۹۴ هـ ق (۱۹۷۴ م) که به اجرای حد شرب خمر مربوط است، آخرین قانون از قانون مجازات است که با استفاده از شریعت اسلامی در لیبی تصویب شد.

۳-۶ مصر

پیشتر بیان کردیم که چگونه حقوق‌دانان و دانشمندان الازهر در مصر در مدتی نزدیک به صد سال - یعنی از زمان تصویب نخستین قانون مجازات در مصر - از مطالبه اجرای شریعت اسلامی به جای قوانین اروپایی دست برنداشتند.

در اینجا، می‌خواهیم به تلاشهای انجام شده در خلال سالهای اخیر در کشور مصر برای اصلاح قوانین کیفری آن کشور متناسب با احکام شریعت اسلامی اشاره کنیم.

مطابق اصل ۲ قانون اساسی جمهوری مصر مصوب ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۷۱ م، «اسلام دین رسمی کشور و زبان عربی زبان رسمی آن و اصول شریعت اسلامی نیز منبع اصلی برای

قانون‌گذاری است».

صاحب‌نظران از رأی مردم و گرایش آنان به اجرای شریعت اسلامی به سند قانونی برای این رأی و گرایش دست یافتند. ندهایی از داخل مجلس ملی مصر و هیئت‌های مختلف آن و نیز از طرف گروه‌های مختلف مردمی مبنی بر ضرورت اجرای احکام کیفری اسلامی بلند شد و شماری از اعضای مجلس پیشنهادهایی را در این زمینه ارائه کردند که از مهم‌ترین آنها طرح مرحوم دکتر اسماعیل معنوق بود.

طرح ایشان حاوی پیشنهادی برای اصلاح احکام قانون مجازات مصر مطابق با احکام شریعت اسلامی بود. ایشان در گزارش توضیحی ارائه شده برای این طرح بیان می‌کند که این طرح پاسخی است به «گرایش صادقانه‌ای که از همه مردم نشأت گرفته است. همگی مردم بر ضرورت مبتنی شدن قوانین بر شریعت اسلامی اتفاق نظر دارند». این گزارش درباره روش‌های وی برای اصلاح قوانین سخن می‌گوید: «... ما قانون مجازات کنونی را به کلی از میان نمی‌بریم و همه شاخ و برگ‌های آن را نمی‌زنیم، بلکه هدف ما [اصلاح] نصوص مخالف با شریعت اسلامی است که شمار آنها نیز از ۵۶ ماده تجاوز نمی‌کند. موادی را که از نص شریعت اسلامی و محتوای آن دور است، جدا می‌کنیم — همچنان که بیماری را از بدن بیمار دور می‌کنند — و قانون مجازات را — با افزودن ۴۴ ماده — به دامن شریعت بازمی‌گردانیم تا این مواذ قلب تپنده و فکر پویای آن باشند که زندگی را پس از دوران مرگ به آن بازمی‌گردانند. سپس، می‌افزاید که در این طرح، «به جز مواردی که همه فقیهان بر آنها اتفاق نظر دارند، چیز دیگری معتبر دانسته نشده و اختلاف فقیهان در حکم شبهه است که حدود را منتفی می‌کند تا تعزیر جانشین آنها شود».

پیش از ارائه این طرح به کمیته پیشنهادی مجلس ملی مصر، وزیر دادگستری مصر مرحوم مستشار عادل یونس دستوری مبنی بر تشکیل هیئت‌هایی برای اصلاح قوانین متناسب با احکام شریعت اسلامی صادر کرده و در این دستور بویژه قانون مجازات و قانون اقدامهای کیفری قید شده بود.

در ۷ ژانویه ۱۹۷۶ م، شیخ الازهر — شیخ عبدالحمید محمود — دستور عمل شماره ۳ را برای تشکیل هیئت عالی بازنگری در قوانین موضوعه و اصلاح آنها برای تطبیق با اصول اصلی

شریعت اسلامی صادر کرد. این هیئت کار خود را با تهیه قانون حدود شرعی و گزارش توضیحی آن شروع کرد. این قانون به همراه گزارش توضیحی آن به کمیته پیشنهادیهای مجلس ملی مصر تقدیم شد و در میان بسیاری از دست-اندر-کاران و بویژه استادان دانشگاه و بزرگان قضا و وکیلان تقسیم شد.

تا آنجا که می‌دانیم، دستاوردهای هیئت عالی بازنگری (که وزیر دادگستری تأسیس کرده بود) - از جمله، این قانون پیشنهادی - دیگر انتشار نیافت.

مجلس ملی مصر تاکنون (آوریل ۱۹۸۳ م) هیچ یک از قوانین آماده شده برای مطابقت با احکام شریعت اسلامی را بررسی نکرده است؛ با وجود آنکه برخی از آنها مدت‌هاست که در ردیف کارهای بالفعل مجلس قرار دارد (و باید به آنها رسیدگی می‌شد).

۴-۶. سودان

در ۸ مه ۱۹۷۳ م، رئیس‌جمهور سودان با قانون اساسی‌ای که مجلس ملی سودان در ۱۱ آوریل ۱۹۷۳ م تصویب کرده بود، موافقت کرد.

مطابق اصل ۹ این قانون، «شریعت اسلامی و عرف دو منبع اصلی قانون‌گذاری اند و در مورد غیرمسلمانان قانون خاصی حکمفرما خواهد بود».

بند (الف) اصل ۱۶ در مورد احوال شخصی مقرر می‌دارد که «در جمهوری دموکراتیک سودان، دین رسمی اسلام است و جامعه را این دین که دین اکثریت است، هدایت کرده و دولت برای تعیین متولی آن تلاش می‌کند».

در ۲۳ مه ۱۹۷۷ م، جانشین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر - رشید طاهر بکر - دستور عمل شماره ۲۳۶ را صادر کرد. این دستور عمل در مورد تشکیل هیئت بازنگری در قوانین جاری در کشور برای مطابقت دادن این قوانین با تعالیم دین اسلام صادر شد. در مقدمه این دستور عمل آمده که هدف از صدور آن اجرای دستورهای رئیس‌جمهور - جعفر محمد نمیری - در تاریخ ۱۹۷۷/۴/۲۸ م بوده است.

این دستور عمل بر تشکیل هیئتی عمومی متشکل از ۱۸ عضو که برخی از آنان از حقوق‌دانان بزرگ سودان و برخی دیگر نیز از شخصیت‌های عمومی و وزیران بودند، و نیز بر منحصر بودن

اختیارات این هیئت به شرکت در بحثها و بررسیهای مربوط به قوانین تدوین شده هیئت تخصصی و ارائه نظر و پیشنهاد و قوانین که در راستای وظیفه اصلی آن است، تصریح داشت. مطابق این دستور عمل، وظیفه اصلی این هیئت اصلاح قوانین جاری برای متناسب کردن آنها با شریعت اسلامی است. همچنین، این دستور عمل بیان می‌دارد که هیئت فنی از اعضای سودانی و غیرسودانی تشکیل می‌شود و محدوده صلاحیتهای و اختیارات آن را این گونه تعیین می‌کند:

۱. تهیه تحقیقات برگرفته از قواعد شریعت اسلامی و نظر فقیهان در مورد تنظیم داد و ستدهای میان افراد و مؤسسه‌ها و غیر آنها که حقوق و واجبات و قواعد اثبات در جمیع فروع قانونی را شامل می‌شود؛

۲. بررسی دوباره همه قوانین جاری در سودان برای یافتن موادی که با احکام شریعت اسلامی و قواعد آن در تعارض است.

کار این دو هیئت (هیئت عمومی و هیئت تخصصی) با یک گردهمایی عمومی آغاز شد. رئیس جمهور در آنجا سخنانی ایراد کرد که بیانگر دیدگاه او در زمینه عملکرد این هیئت‌ها بود. رئیس دادگستری و رئیس هیئت عمومی آقای خلف‌الله رشید نیز در سخنانی تلاشهای انجام شده در مورد قانون سودان را بیان کرد. به گفته وی، تشکیل این هیئت برای اجرای اصل نهم قانون اساسی سودان است. از آن پس، اقدامهای هیئت تخصصی ادامه یافت؛ به گونه‌ای که، مجموعه قوانین منع خمر و اصول احکام قضایی و منع سود ربوی در قرضهای استهلاکی و قانون صندوق زکات و قانون قرضهای تعاونی و استهلاکی را کامل کرد. این هیئت همه قوانین جاری سودان را نیز مورد بازنگری قرار داد و برای آماده شدن جهت اصلاح این قوانین، موارد تعارض آن با شریعت اسلامی را معین کرد و تحقیقات مفصلی را در زمینه قانون امنیت سودان فراهم کرد. همه اقدامهای هیئت تخصصی در اختیار هیئت عمومی قرار گرفت تا بخشهای سودمند آن را به مقامهای خاص سودانی برای تصویب ارائه کند.

هیئت تخصصی در پایان آگوست ۱۹۷۸ م کار خود را به پایان رساند و با وجود اعتراض و حمله برخی از گروهها یا نیروهای سیاسی سودان به هیئت اصلاح سودانی، گرایش غالب در افکار عمومی سودان عمل این هیئت را تأیید می‌کرد. این تأییدیه در انتخابات مجلس ملی که

نتایج آن در فوریه ۱۹۷۸ م اعلام شد، به روشنی تجلی یافت.

ولی، آنچه باید مورد پرسش واقع شود، آن است که چرا قانونی که این هیئت تهیه کرده، تاکنون تصویب نشده و انتشار نیافته است در حالی که بیش از چهار سال از تهیه آن می‌گذرد. شاید، دلایلی برای این کار وجود داشته و من از آنها آگاه نیستم والله تعالی اعلم.

۵-۶ امارات متحد عربی

امارات متحد عربی گامهای بسیاری برای اجرای کامل احکام شریعت اسلامی برداشت. این مسیر با ارجاع دادن پرونده‌های مدنی به دادگاههای شرعی به دستور نخست‌وزیر در ۱۳۹۵/۱/۲ ه.ق. مطابق با ۱۹۷۵/۱/۱۴ م آغاز شد. در تاریخ ۱۹۷۷/۴/۱۲ م، به موجب دستور شماره ۶۴۲/۳/۲ نخست‌وزیر خطاب به رئیس دادگستری، کلیه موارد قتل، غصب و سرقت به دادگاههای شرعی ارجاع شد. در اثر جریان خاصی، مجازات زنا نیز بنا به دستور نخست‌وزیر خطاب به وزارت دادگستری به دادگاههای شرعی واگذار شد (دستور شماره ۱۳۷۶/۷۵ در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۲۰ ه.ق. مطابق با ۱۹۷۵/۶/۳۰ م).

هیئتی که در چاپ نخست این کتاب به تشکیل آن اشاره کردیم، تدوین قوانین جامعی از احکام شریعت اسلامی کیفری و غیرکیفری را به پایان رساند. [متأسفانه] ما هیچ نسخه‌ای از عملکرد این هیئت را به دست نیاوردیم. در هر حال، این قوانین هرگز مورد بررسی مجلس وزیران قرار نگرفت و هیچ یک از این قوانین در قانون‌گذاریهای بعدی تصویب نشد.

آنچه شایسته بررسی است، آن است که سخن گفتن در مورد امارات متحد عربی و اجرای قوانین اسلامی در آن در راستای قانون اتحادیه است که اجازه عدم الحاق امارات متحد عربی را به داوری کشورهای اتحادیه داده است.

بنابراین، دادگاههای مدنی مستقل و دادگاههای شرعی مستقلی در دبی و ابوظبی وجود دارد که از داوری اتحادیه پیروی نمی‌کنند. دادگاههای شرعی در کشور امارات متحد عربی (به جز اماره رأس الخیمه) بر اساس احکام فقه مالکی داوری می‌کنند، ولی در اماره رأس الخیمه داوری شرعی به پیروی از عربستان سعودی بر اساس مذهب حنبلی است.

۷. مسیر و هدف

تغییرات قانون‌گذاری پیش‌گفته در کشورهای عربی صرف‌نظر از اینکه به صدور قوانین الزام‌آور منتهی شدند یا اینکه از رسیدن به این مرحله بازماندند، بی‌تردید پاسخی طبیعی به خواسته مردم در همه کشورهای عربی و اسلامی بوده است. از سوی دیگر، این تغییرات نتیجه دعوت پیاپی فقه برای بازگشت به اجرای احکام اسلامی در این کشورها بوده است. پرچمدار این دعوت فقهی بسیاری از استادان حقوق و عالمان شریعت اسلامی بودند که تلاش آنان در مطالعه قوانین کیفری اسلامی در آماده‌سازی این مسیر برای تحقیق سودمند بوده است؛ به گونه‌ای که، عرصه آن را گسترش داده و دست‌اندرکاران آن را افزایش داده است. از این رو، تأثیر دعوت به اجرای شریعت اسلامی افزایش می‌یابد تا اینکه همه گروه‌های جامعه را فراگیرد. پس از آنکه بحث علمی در زمینه مطالعات نظری سودمندی و لزوم آن را پدیدار ساخت، آثار این دعوت در جهان واقع به شکل عملی نتیجه می‌دهد. این مطالعات برای قانون‌گذاری اسلامی در زمینه‌های کیفری و غیرکیفری با دو عامل بازدارنده روبه‌رو شد:

۱. اقدام به مطالعه احکام شریعت اسلامی به شکل محدود؛ به گونه‌ای که، بررسی این احکام بیرون از عرصه معمول آن صورت گرفت. بررسی‌های آن را در اغلب موارد دست‌اندرکاران عمومی دعوت به شریعت اسلامی انجام دادند که آنان نیز معمولاً به مسائل عمومی (دینی) گرایش داشتند و تلاش‌شان متوجه این موارد بود و از مسیر علمی دقیق دور بودند و دیگران (متخصصان) نیز به این موضوع توجهی نداشتند. شمار پژوهشگران متخصصی که در راستای بررسی شریعت اسلامی کار می‌کردند و به برتری این احکام بر نظم کنونی باور داشته یا به بحث علمی صرف همراه با تلاش و ابتکار گرایش داشته باشند، بسیار اندک بود؛

۲. عامل دومی که مانع پیشرفت مطالعات حقوقی اسلامی شد، این نظر رایج در میان بسیاری از دست‌اندرکاران مطالعات اسلامی بود که در مرحله کنونی که امت مسلمان در حال گذر از آن است، عمل به احکام اسلامی باید به دعوت به بازگشت تحکیم اسلام در زندگی مردم برای برپایی حکومت‌های اسلامی در جای‌جای جهان اسلام محدود باشد. از

نگاه قائلان به این نظر، روا نیست که مسلمانان به مسئله دیگری بیندیشند و به امور جامعه امروز و مشکلات اقتصادی یا سیاسی یا آموزشی یا قانونی آن توجه داشته باشند... بلکه باید به تشکیل حکومت اسلامی همت گمارند. زیرا، این مشکلات در پرتو تشکیل حکومت و نظم اسلامی ایجاد نمی‌شوند. بنابراین، قائلان به این نظر به بررسی احکام اسلام نمی‌پردازند و نتایج آن را نمی‌پذیرند و بر این باورند که پس از تشکیل حکومتی که منادی اسلام اند و نظم اسلامی را پیاده می‌کنند، این مشکلات از میان خواهد رفت.

ولی، در مورد عامل نخست، ما بارقه‌های زوال آن را در رویکرد جدید به اجرای احکام کیفری اسلامی و احکام شریعت اسلامی به شکل عمومی در همه جای جوامع عربی می‌بینیم. عامل دوم که همواره آن را با آغوش باز پذیرفته‌اند و بسیاری نیز از آن دفاع می‌کنند، از نظر ما در آینده با ضرورت‌های عملی‌ای روبه‌رو می‌شود که موجب می‌شود طرفداران آن از این نظریه دست بردارند یا اینکه در اجتماع منزوی شوند. زیرا، مردم از آنان روی برمی‌تابند. اجرای احکام اسلامی یا حتی رویکرد آشکار جوامع به این امر در آینده مسائلی را به وجود خواهد آورد که اندیشمندان اسلامی را وادار می‌سازد تا رأی و نظر خود را بگویند و کلام آنان پذیرفته می‌شود.

بنابراین، اگر طرفداران این دیدگاه این کار را به انجام رسانند، در واقع از رأی خود دست کشیده‌اند و اگر چنین نکنند، مردم آنان را رها می‌کنند و به سمت اندیشمندان و متفکران و دعوت‌کنندگان به مسائل جهان امروز روی می‌آورند (فأما الزید فیذهب جفاء و أما من ینفع الناس فیمکث فی الارض). از این رو، راهی که ما به آن پای‌بند بوده و به آن دعوت می‌کنیم، تلاش برای انجام مطالعاتی است که به احکام کیفری اسلامی تعلق داشته و با واقعیت‌های جهان امروز نیز مطابقت دارند و نیز مقدم داشتن فقه کیفری است که فهم آن به لحاظ موضوعی و جوهری باید به گونه‌ای باشد که با روزگار ما تناسب داشته باشد و موجب اصلاح آن شود.

این فقه کیفری ما ست و در واقع نزدیک به یکصد سال است که از واقعیت جامعه ما به دور بوده و از آن جداست؛ همان گونه که ما نیز از فقه جدا-ایم. تا اینکه گفته می‌شود و به حق هم می‌گویند که «برخی از دست-اندر-کاران مسائل حقوقی که از فقه اسلامی استفاده می‌کنند، آن را

تأیید و تجویز نمی‌کنند... بنابراین، آنان این فقه را بر اساس اصول قانونی‌ای که قانون‌گذار برای‌شان تدوین کرده است، می‌فهمند و این اساس تفایر مبادی شرعی است که هنگام رجوع به آنها امور ما سامان می‌یابد».

از این رو، امروزه این مسئله واجب علمی و دینی است که به همان اندازه که رعایت تخصص و تدبیر در مطالعات کیفری اسلامی ضرورت دارد، رعایت سادگی کلام نیز ضروری است. همچنین، باید حسن انتخابی در کار باشد تا در مسیر تطبیق این احکام با مقتضیات زمان مشکلات برطرف شود و برای آنکه فقه ما فشرده و دقیق باشد، این مسائل را باید لحاظ کرد. هنگامی که این مسیر و هدف موردنظر ما نیز به نوعی اجتهاد نیاز داشته باشد که تاکنون پیشینه نداشته یا به اولویت دادن و تقویت کردن برخی از آرای فقهی نیاز باشد که قائلان اندک دارد، در این موارد ترس از افتادن در اشتباه نباید ما را از اجتهاد کردن بازدارد.

و شایسته نیست که ترس از روبه‌رو شدن با بسیاری از نظریه‌های فقهی ما را از گزینش درست و متناسب با آنچه برای اجرای کامل شریعت اسلامی لازم است، بازدارد.

مکتب و رأیی که ما برگزیده ایم، دلیل روشنی در نصوص و اصول شریعت ندارد. همچنین، اصول و نصوص شریعت اسلامی نه این مکتب را رد می‌کنند و نه می‌پذیرند. ما در این راستا از قاعده مسلّمی که در علوم اسلامی وجود دارد، پیروی می‌کنیم؛ یعنی، «هنگامی که مجتهدان قائل به قیاس قیاس کردند و هر یک به نظر متفاوتی رسیدند، هر کس حق دارد که به اندازه اجتهاد خود نظر-اش را ارائه کند و جایز نیست که در جایی که اجتهاد-اش او را به نتیجه مخالف دیگری رسانده است، از دیگری تقلید کند؛ بلکه باید نظر خود را ملاک قرار دهد».

۸. تقسیم‌بندی

بر اساس مسیر یاد شده و هدف مورد نظر ما که مشارکت در حرکت جامعه مسلمان امروز به سمت اجرای شریعت اسلامی است، مطالعات خود را به پنج فصل تقسیم می‌کنیم.